

درس پنجم: اوضاع سیاسی اروپا و آمریکا در قرن نوزدهم

اوضاع سیاسی اروپا و آمریکا در قرن نوزدهم

اهمیت قرن نوزدهم در تاریخ اروپا:

- ۱- تعداد دیگری از ملت های اروپایی موفق به تشکیل کشورهای مستقل شدند.
- ۲- سیاست های استعماری اروپائیان گسترش یافت.
- ۳- تمدن اروپایی رشد و گسترش فوق العاده ای یافت.
- ۴- مکاتب فکری و سیاسی گوناگونی پدید آمدند.
- ۵- دوره غلبه اروپائیان بر جهان است.

عصر ناپلئون (۱۸۱۴-۱۷۹۹م)

پادشاهان و دولت های اروپایی که از گسترش تأثیر انقلاب فرانسه به وحشت افتاده بودند فرانسه را به صحنه جنگ های خونین کشاندند. درگیری فرانسه با دیگر کشورهای اروپایی بخاطر جلوگیری از نفوذ انقلاب فرانسه و کسب موفقیت ناپلئون باعث شهرت او شد.

ناپلئون بناپارت ده سال بعد از انقلاب کبیر دست به کودتا زد.

او تا چند سال بعنوان کنسول به اداره ی فرانسه پرداخت. ولی سرانجام در ۱۸۰۴م با عنوان امپراتوری تاجگذاری کرد. او تا ۱۸۱۴م امپراتور فرانسه بود. او توانست در این مدت کشور فرانسه را به قدرتمندترین کشور اروپایی کند. با وجود اتحاد کشورهای انگلستان، اتریش و پروس علیه ناپلئون او توانست چندین بار آنها را شکست دهد.

دلایل سقوط ناپلئون:

- ۱- جنبش های آزادی خواهانه و استقلال طلبانه ی مردم
 - ۲- شکست هولناک ارتش بزرگ ناپلئون در روسیه
- به دوران اقتدار او در تاریخ اروپا خاتمه داد.
- پایان کار ناپلئون: ورود ارتش فرانسه به خاک روسیه را آغاز سقوط ناپلئون می دانند.

دلایل شکست ناپلئون از روسیه

- ۱- وسعت قلمرو روسیه
 - ۲- سرما و برف سنگین روسیه
 - ۳- استراتژی جنگهای غیر منظم (پارتیزانی) ملت روسیه
 - ۴- تخریب پل ها و آتش زدن روستاها
- ناپلئون پس از شکست به جزیره الب تبعید شد اما مرگ او در جزیره سنت هلن اتفاق افتاد.

*کنگره ی وین

کشورهای شرکت کننده: انگلستان، روسیه، اتریش، پروس، فرانسه (تالیران)

هدف کنگره وین: تعیین تکلیف کشور شکست خورده فرانسه

تصمیمات کنگره وین:

- ۱- فرانسه با دیگر به رژیم سلطنتی اداره شود.
 - ۲- کلیه متصرفات ناپلئون از فرانسه پس گرفته شود.
 - ۳- مرزها و رژیم های سیاسی دولتهای اروپایی مشخص گردید.
- دو موج انقلاب اروپا
- موج ۱۸۳۰ میلادی

- ۱) مردم بلژیک خود را از سلطه هلند نجات دادند.
- ۲) در فرانسه دوباره رژیم جمهوری برقرار گردید.

موج ۱۸۴۸ میلادی

- ۱- در اتریش آزادی خواهان ، مترنچ ، صدراعظم آن کشور را مجبور به فرار نمودند.
- ۲- در اسپانیا ، هلند ، سوئد و دانمارک مردم رژیم مشروطه سلطنتی برقرار ساختند.

*وحدت ایتالیا

از نتایج موج انقلابی ۱۸۴۸ میلادی سست شدن پایه های دولت مقتدر اتریش بود که قسمت هایی از خاک ایتالیا را در اختیار داشت.

رشد اندیشه ی ملیت گرایی (ناسیونالیسم) در ایتالیا موجب طغیان مردم علیه بیگانگان و تجزیه طلبان شد.

سه چهره نامدار استقلال طلبانه ایتالیا

- ۱- جوزپه مازینی: نظریه پرداز جنبش
- ۲- کاوور: سیاستمداری کارداران و موقعیت شناس
- ۳- گاریبالدی: رهبر ارتش استقلال طلبان «سرخ جامگان»

*آلمان

ژرمن ها تا قرن نوزدهم دولتی با عنوان امپراطوری مقدس روم داشتند اما این امپراطوری دارای قدرت قابل توجهی نبود. این امپراطوری به ایالات هایی تقسیم شده بود که هر یک دارای قدرت و اختیارات بسیاری بود مانند اتریش و

پروس.

ناپلئون طی فتوحات خود امپراتوری مقدس روم را از بین برد که در نتیجه آن اتریش و پروس از یکدیگر مستقل شدند و سایر ایالات با نام «اتحادیه راین» به صورت متحد فرانسه در آمدند.

پس از شکست ناپلئون اتحادیه راین عرصه ی رقابت بین اتریش و پروس شد.

«حرف حق را باید از دهانه توپ شنید.» اتوفن بیسمارک

او که به صدراعظم آهین مشهور بود ابتدا اتحادیه راین را با عنوان کنفدراسیون آلمان شمالی با پروس متحد کرد سپس با تقویت ارتش پروس ارتش دانمارک و اتریش را شکست داد و سرانجام در جنگ با فرانسه (۱۸۷۰م) به پیروزی دست یافت و یک سال بعد امپراتوری آلمان (رایش) را اعلام کرد و از آن پس به پروس و ایالات ژرمنی آلمان می گویند.

امپراتوری آلمان آخرین امپراتوری اروپایی در قرن نوزدهم است که توانست بر قلمرو خود بیفزاید.

آلمان به دلیل داشتن دانشمندی بسیار و منابع اقتصادی و صنعتی گوناگون خیلی زود به کشوری ثروتمند و مقتدر تبدیل

شد. از این رو در اواخر قرن نوزدهم تلاش خود را برای کسب مستعمرات آغاز کرد.

امپراتوری روسیه (تزارها)

۱- قسمتهایی از امپراتوری عثمانی را تصرف کرد.

۲- طی قراردادهای گلستان ، ترکمنچای و آخال قسمت های شمالی ایران را به تصرف درآورد.

۳- در سیبری خود را به مرزهای چین رساند.

چگونگی گسترش قلمرو روسیه

۱- سرکوب مردمان نواحی متصرفی

۲- برقراری حکومت استبدادی

۳- فقیر شدن اکثریت مردم روسیه

۴- سرکوب حرکت های آزادی خواهانه

وضعیت جامعه و اقتصاد روسیه در قرن ۱۹ م

(۱) دهقانان برای فئودالها حکم برده داشتند.

(۲) سرکوب حرکت روشنفکری و مخالفان سیاسی توسط پلیس تزاری

(۳) درگیری با کشورهای همسایه برای کسب مناطق نفوذ

(۴) درگیری با کشور انگلستان برای کسب امتیازات سیاسی - نظامی و اقتصادی

امپراتوری انگلستان

اگر چه روسیه مهم ترین رقیب سیاسی امپراتوری انگلستان در قرن نوزدهم بود اما دولت های آلمان ، ایتالیا و فرانسه نیز در مستعمرات آسیایی و آفریقایی با انگلستان رقابت می کردند.

اوج قدرت استعماری انگلستان در قرن نوزدهم در دوره ی ملکه ویکتوریا بود که ۶۴ سال حکومت کرد . به همین سبب این دوره به «عصر ویکتوریا» نامیده شد.

در این عصر از نظر صنعتی تنها کشور آلمان با انگلستان برابری می کرد.

مهم ترین مشکل داخلی بریتانیا مبارزات استقلال طلبانه مردم ایرلند بود.

ایالات متحده آمریکا

تا سال ۱۷۷۶ میلادی مستعمره انگلستان بود. بعد از استقلال که شامل ۱۳ ایالت بود در صدد توسعه به سمت غرب برآمد و سپس شروع به مداخله در کشورهای قاره آمریکا کرد.

مونرو در سال ۱۸۲۳ م اعلامیه مشهور خود یعنی عدم دخالت دولت های اروپایی در قاره آمریکا را صادر کرد.

جنگ انفصال یا جنگ الغای بردگی

در نواحی جنوب آمریکا سیاهپوستان بصورت برده در مزارع پنبه و نیشکر به بیگاری گرفته می شدند اما در نواحی شمالی که مردم آن صنعتگر و روشنفکر بودند به مخالفت با برده داری پرداختند. در این جنگ که در زمان ریاست جمهوری ابراهام لینکلن اتفاق افتاد طرفداران لغو بردگی (ایالت های شمالی) پیروز شدند . این جنگ به جنگ انفصال یا جنگ الغای بردگی معروف شد.